

نویسنده: اگهید حجازی «Aghiad Hegazi».
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-10-30».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

جنوب سوریه: جایی که اسرائیل از طریق آب و گاز، شام را از نو ترسیم می‌کند

Southern Syria: Where Israel redraws the Levant through water and gas

در پس پیشروی نظامی اسرائیل در جنوب سوریه، تلاشی برای تسلط بر شریان‌های حیاتی منطقه - آب و گاز آن - و به همراه آنها، نفوذ آینده‌اش نهفته است.

Behind Israel's military push in southern Syria lies an effort to command the region's lifelines – its water and gas – and with them, its future influence.



Photo Credit: The Cradle

از زمان سقوط دولت بشار اسد، رئیس جمهور سابق سوریه، حملات اسرائیل به سوریه به طور پیوسته گسترش یافته است. تل آویو اکنون نقاط مرتفع استراتژیک، از جمله جبل الشیخ (کوه حرمون) را کنترل می‌کند که با ارتفاع (۲۸۱۴) متر مشرف به سوریه، عراق، اردن، لبنان و فلسطین اشغالی است.

از این نقطه، اسرائیل می‌تواند فعالیت‌های هوایی را از جبل الطارق تا سوریه رصد کند، قابلیتی که با سیستم‌های نظارتی پیشرفته تقویت شده است.

اسرائیل در ولایت قنیطره، تقریباً در کل منطقه مستقر شده و چندین ایست بازرسی و مواضع مستحکم ایجاد کرده است. نیروهای آن حتی به حومه دمشق نیز پیشروی کرده‌اند و تا تیب منحل شده «78» - تنها پنج کیلومتر از قطنه و «20» کیلومتر از مرکز دمشق - رسیده‌اند.

مواضع اسرائیل اکنون تا رخله، روبروی شهر لبنانی یاحمر، امتداد یافته است. راخله یک نقطه استراتژیک است که (1500) متر ارتفاع دارد و مشرف به سه جاده حیاتی است که دمشق را به بعلبک و بیروت متصل می‌کند، و همچنین نزدیک به دره بقاع لبنان است و حدود «30» کیلومتر از گذرگاه مصنع - جاده اصلی بین دمشق و بیروت - فاصله دارد.

در شرق، ولایت سویدا عملاً از کنترل دمشق خارج شده است. به گزارش رویترز، پس از اعلام «حمایت» اسرائیل از جامعه **دروزی** - که توسط بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و دیگر مقامات تکرار شد - جناح‌های محلی یک «گارد ملی» (3000) نفره تحت فرماندهی واحد تشکیل داده‌اند که طبق گزارش‌ها مستقیماً توسط اسرائیل تأمین مالی می‌شود.

در حالی که این دستاوردهای ارضی اغلب از دریچه امنیتی مورد بحث قرار می‌گیرند، پیامدهای آنها فراتر از میدان نبرد است. کنترل اسرائیل بر جغرافیا به طور فزاینده‌ای با کنترل بر منابع - به ویژه آب و گاز - دو کالایی که قدرت و بقا را در شام تعریف می‌کنند، در هم تنیده شده است.

آب و گاز به عنوان ابزار قدرت

پیشرفت‌های اخیر تل‌آویو، جنوب سوریه را به صحنه‌ای تبدیل کرده است که در آن رقابت بر سر منابع، سیاست‌های منطقه‌ای را تغییر شکل می‌دهد. فراتر از تجاوز نظامی، جاه‌طلبی اسرائیل در تسلط بر حوضه یرموک - یک مخزن آب ضروری که سوریه، اردن و فلسطین اشغالی را تغذیه یا اروا می‌کند - نهفته است.

ادغام آن در شبکه آب موجود اسرائیل، که از جلیله تا صحرا امتداد دارد، نشان‌دهنده گسترش قابل توجه هژمونی آبی اسرائیل خواهد بود.

با این حال، آب تنها بخشی از داستان است. جنوب سوریه همچنین در تقاطع جاه‌طلبی‌های انرژی قرار دارد. اسرائیل به دنبال مسدود کردن هرگونه مسیر آینده خط لوله گاز قطر - ترکیه است که از مدت‌ها پیش پیشنهاد شده و از سوریه در مسیر خود به اروپا عبور می‌کند - جایگزینی که می‌تواند کریدور صادرات گاز EastMed اسرائیل را تضعیف کند. از این نظر، جنوب سوریه به نقطه تماس بین پروژه‌های آب و گاز تبدیل می‌شود، زیرا تل‌آویو به دنبال انحصار تأمین کنندگان به عنوان اهرم ژئواستراتژیکی است که به آن توانایی تغییر نقشه انرژی و حاکمیت در شام را می‌دهد. خط لوله قطر - ترکیه و اقدامات

متقابل اسرائیل خط لوله گاز قطر-ترکیه - که در ابتدا در سال (2009) مطرح شد - قرار بود گاز قطر را از طریق عربستان سعودی، اردن و سوریه به ترکیه و از آنجا به اروپا منتقل کند. دمشق در آن زمان آن را رد کرد و از منافع رقابتی مسکو جانبداری کرد.

اما با برنامه ریزی اتحادیه اروپا برای پایان دادن به وابستگی خود به گاز روسیه تا سال (2027)، این ایده دوباره مورد توجه قرار گرفته است - به ویژه پس از فروپاشی دولت مرکزی سوریه.

در «9» دسامبر (2024)، یک روز پس از سقوط دمشق، آلپ ارسلان بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه، علناً اظهار داشت که این پروژه می‌تواند «در صورت دستیابی سوریه به تمامیت ارضی و ثبات» احیا شود. وی افزود: «اگر چنین باشد، این خط لوله باید ایمن باشد. ما امیدواریم که چنین باشد. اگر چنین باشد، پروژه‌های زیادی در انتظار اجرا هستند.»

اسرائیل، اگرچه در این خط لوله مشارکت ندارد، اما از نزدیک اوضاع را زیر نظر دارد. در طول دهه گذشته، خود را به عنوان صادرکننده انرژی به اروپا معرفی کرده است و میدین گازی لویاتان و تامار در هسته استراتژی آن قرار دارند. اسرائیل از طریق خط لوله EastMed به قبرس و یونان و صادرات به مصر برای مایع‌سازی و صادرات مجدد، یک معماری انرژی ایجاد کرده است که برای تثبیت نقش منطقه‌ای خود طراحی شده است. تحلیل‌های اندیشکده‌های اسرائیلی، از جمله مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات، هشدار می‌دهد که خط لوله قطر-ترکیه با ارائه گاز ارزان‌تر به اروپا، مستقیماً با پروژه‌های اسرائیل رقابت خواهد کرد. تبدیل ترکیه به دروازه اصلی انرژی، جاه طلبی تل‌آویو برای ایفای نقش به عنوان قطب اصلی منطقه را نیز تضعیف می‌کند. برخی از محققان اسرائیلی اذعان دارند که اگرچه اتصال ترکیه به خط لوله گاز عرب از طریق مصر و اردن می‌تواند به نفع صادرات اسرائیل باشد، اما احیای مسیر قطر، اهرم فشار اسرائیل را به شدت کاهش می‌دهد.



نقشه مسیر خط لوله گاز قطر-ترکیه

جنوب سوریه: کریدور جدید انرژی

عاصر دیب، اقتصاددان و رئیس شورای رنسانس سوریه، به روزنامه «کریدل» می‌گوید که درگیری‌های تازه در جنوب را نمی‌توان از این معادلات منابع جدا کرد. او می‌گوید امنیت و اقتصاد اکنون در یک محور حرکت می‌کنند و منطقه‌ای را که از درعا و سویدا تا قنیطره و جولان اشغالی امتداد دارد، حساس‌ترین منطقه برای انرژی، کشاورزی و آب توصیف می‌کند.

دیب خاطر نشان می‌کند که کشف میدان لویاتان توسط اسرائیل نقطه عطفی در وضعیت اسرائیل بود، که از سال (۲۰۲۴) بیش از «۱۳/۱» میلیارد متر مکعب گاز به مصر و اردن صادر کرده است و به دنبال گسترش تولید خود برای تبدیل شدن به رقیب مستقیم پروژه‌های گازی قطر یا ایران است.

دیب توضیح می‌دهد که هرگونه احیای خط قطر-ترکیه، پویایی انرژی موجود را بر هم می‌زند و خاطر نشان می‌کند که این امر موازنه نفوذ را به سمت دوحه و آنکارا تغییر می‌دهد و مستقیماً صادرات اسرائیل را تهدید می‌کند.

نبرد برای برتری آب

اسرائیل به موازات جاه‌طلبی‌های انرژی خود، کنترل خود را بر شبکه آب جنوب سوریه تشدید کرده و بر حوضه رودخانه یرموک و سد وحده در مرز سوریه و اردن تمرکز کرده است. این حوضه بخش عمده‌ای از جنوب سوریه و شمال اردن را در بر می‌گیرد و تقریباً یک دهم نیازهای آبی آنها را تأمین می‌کند.

این کنترل بخشی از یک طرح گسترده‌تر است که شامل جبل‌الشیخ، چشمه بانیا و سد‌های قنیطره می‌شود، جایی که تل‌آویو در ماه‌های گذشته به سدهای کوچک‌تری مانند المنتره (که حدود دو درصد از آبیاری منطقه را پوشش می‌دهد)، عین‌الزوان (1.5 درصد) و سرچشمه‌های رودخانه رقاد که حدود هشت درصد از منابع آبی جنوب را تشکیل می‌دهد، گسترش داده است. اسرائیل با کنترل رودخانه یرموک که حدود ۲۰ درصد از منابع آب جنوب را پوشش می‌دهد، قادر است بر مخزن سد وحده (با ظرفیت ۱۱۰ میلیون مترمربع) که ولایات جنوب سوریه و شمال اردن حدود ۱۰ درصد از نیازهای آبی خود را از آن تأمین می‌کنند، نفوذ کند.

در یک تحول اخیر، نیروهای اسرائیلی به سمت سد جبیلیه در حومه غربی درعا (که حدود سه درصد از آبیاری محلی را پوشش می‌دهد) حرکت کرده‌اند.

این تغییرات، اردن را با از دست دادن یک منبع آب استراتژیک تهدید می‌کند و جنوب سوریه را به عرصه نفوذ منطقه‌ای تبدیل می‌کند که توسط اسرائیل از طریق آب، نه

فقط قدرت نظامی، کنترل می‌شود. جعفر خدور، تحلیلگر سیاسی، در گفتگو با «کریدل» توضیح می‌دهد: «کنترل اسرائیل بر جنوب سوریه نه تنها از جنبه امنیتی، بلکه از جنبه اجتماعی و منابع انرژی نیز در ارزیابی استراتژیک قرار دارد. سیاست اسرائیل در جنوب سوریه ابعاد جدیدی به خود گرفته است که محدود به تهاجمات نیست، زیرا در ماه سپتامبر 2025 شاهد تخریب خطوط آب در روستاهای زبیده الشرقیه در حومه مرکزی قنیطره والحمیدیه در حومه شمالی قنیطره بودیم که منجر به قطع آب به روی مردم محلی شد.»

او می‌افزاید: «این مقدمه‌ای برای فشار بر مردم و احتمالاً آوارگی بعدی آنهاست» و تأکید می‌کند که «شهرک‌سازی مبتنی بر جایگزینی و لغو است، یعنی آوردن مهاجران برای جایگزینی جمعیت بومی، و بسیاری از منابع آن به آب، به ویژه شهرک‌های کشاورزی، که آب شریان اصلی آن است، متکی است.»

گزارشی از مرکز دانش اسرائیل برای آمادگی در برابر تغییرات اقلیمی، با استناد به پیش‌بینی‌هایی مبنی بر رشد «60» درصدی جمعیت سوریه تا سال (2050) در بحبوحه خشکسالی شدید، استدلال کرد که تشدید تنش‌های امنیتی آینده در سوریه اجتناب ناپذیر و حتی «ضروری» است. این گزارش مدعی شد که چنین شرایطی، کنترل پیشگیرانه اسرائیل بر آب را به عنوان یک حائل استراتژیک و ابزاری برای مذاکره توجیه می‌کند.

آب، کشاورزی و کنترل جمعیتی

دیب خاطر نشان می‌کند که حوضه جولان به تنهایی بیش از 30 درصد از آب کشاورزی اسرائیل را تأمین می‌کند. این بدان معناست که هرگونه گسترش به جنوب سوریه، برتری بلندمدت آب را در منطقه‌ای که از قبل با کمبود منابع مواجه است، تضمین می‌کند. او می‌افزاید، منطقه حاصلخیز از قنیطره تا درعا، برای پروژه‌های کشاورزی تحت حمایت اسرائیل که برای صادرات به بازارهای نزدیک در اردن و اسرائیل در نظر گرفته شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است.

او توضیح می‌دهد که این منطقه مستقیماً به شبکه‌های آبی یرموک و جولان متصل است که از نظر تاریخی از مهمترین منابع آب در شام هستند و شامل زمین‌های کشاورزی حاصلخیزی است که نقش عمده‌ای در تولید کشاورزی سوریه داشته‌اند.

اهمیت جنوب دیگر به کشاورزی محدود نمی‌شود؛ بلکه به ژئوانرژی تبدیل شده است، زیرا این منطقه یک کریدور زمینی بالقوه برای هر خط لوله گاز یا نفتی است که خلیج فارس را به دریای مدیترانه یا ترکیه متصل می‌کند و کنترل آن را به یک هدف مشترک برای بازیگران منطقه‌ای تبدیل می‌کند.

خدور در ادامه توضیح می‌دهد:

«منشأ امنیتی استراتژیک سیاست شهرک سازی اسرائیل به تل‌آویو این امکان را می‌دهد که در هر مذاکره‌ای کارت‌های باج‌گیری ارائه دهد، زیرا به عنوان مثال، اردن از رژیم صهیونیستی آب می‌خرد و از سال ۱۹۶۷، اسرائیل بیش از ۸۰ میلیون متر مکعب آب سوریه را تصاحب کرده است و کل مقداری که از کشورهای اطراف استخراج می‌کند، سالانه بیش از ۱۲۸۰ میلیون متر مکعب است.»

خدور می‌افزاید: «همه این جزئیات ظریف و خطرناک، پرونده انرژی را به یک عنوان امنیتی و سیاسی در استراتژی اسرائیل تبدیل می‌کند، زیرا نه تنها به منابع آب به عنوان منابع طبیعی مربوط می‌شود، بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل و سلطه، به ویژه در منطقه‌ای خشک و بیابانی مانند منطقه ما نیز هست.»

جنگ‌های منابع و آینده جنوب

منازعه جنوب سوریه بسیار فراتر از جنگ سنتی تکامل یافته است. اکنون نما یا نگر یک مبارزه چندبعدی بر سر جغرافیا، حاکمیت و بقا است. آب و گاز - که زمانی منابع طبیعی بودند - به ارکان استراتژی منطقه‌ای اسرائیل تبدیل شده‌اند.

در بحبوحه وخامت شرایط آب و هوایی، اسرائیل آسیب‌پذیری‌های زیست‌محیطی خود را به دارایی‌های ژئوپلیتیکی تبدیل می‌کند. با کنترل حوزه‌های کلیدی و مسدود کردن خطوط لوله رقیب، کمبود آب را به اهرم فشار تبدیل می‌کند. برای مقامات انتقالی سوریه، چالش، حیاتی است: دفاع از آنچه از شریان‌های حیاتی استراتژیک کشور در شرایط فروپاشی اقتصادی و تجاوز خارجی باقی مانده است.

نتیجه این رقابت چیزی بیش از سرنوشت جنوب سوریه را تعیین خواهد کرد. این رقابت، فصل بعدی توازن قدرت در غرب آسیا را شکل خواهد داد - توازنی که نه با خطوط مقدم، بلکه با کنترل جریان آب و انرژی در سراسر نقشه شکسته منطقه تعریف می‌شود.

فراتر از سوریه، استراتژی اسرائیل برای اعمال نفوذ مبتنی بر منابع، تا اعماق خلیج فارس امتداد دارد. تل‌آویو از طریق شرکت‌هایی مانند IDE Technologies، سیستم‌های نمک‌زدایی و بازیافت آب خود را در هسته زیرساخت‌های عربستان و کویت، اغلب از طریق کنسرسیوم‌هایی که مشارکت اسرائیل را پشت واسطه‌های اروپایی پنهان می‌کنند، تعبیه کرده است. کارشناسان هیدروژئولوژی اسرائیل توصیه می‌کنند که تل‌آویو پس از سقوط دولت اسد، با دمشق در مدیریت منابع آب همکاری کند و این امر، کنترل

استراتژیک اسرائیل بر توسعه آب‌های زیرزمینی و پروژه‌های کشاورزی را برجسته می‌کند. این رویکرد می‌تواند به اسرائیل نفوذ قابل توجهی بر مدیریت آب در سوریه، به ویژه در مورد سفره آب زیرزمینی شرقی هرمون، که رودخانه‌های بانیا س و دن و وادی بردی - منبع اصلی آب دمشق - را تغذیه می‌کند، بدهد. این به یک مدل منطقه‌ای نفوذ تبدیل شده است، جایی که وابستگی به فناوری آب اسرائیل، بی‌سروصدا عادی سازی روابط را بدون دیپلماسی یا اعلامیه پیش می‌برد.

.....
با احترام «2025-11-01»
.....